

ما می‌گوییم:

۱. اصل اشکال (استحاله رجوع استثناء به بیش از یک جمله)، چنانکه گفتیم در دو حوزه قابل طرح است:  
الف) جایی که ادات استثنا اسم است.

ب) جایی که ادات حرف (مثل الا) و یا همراه با ضمیر (استثنای منهم) است.

۲. در حوزه (الف)، مشکل در صورتی است که مستثنی یک کلمه باشد ولی بخواهد دو نفر را مورد اشاره قرار دهد. پس:

الف/۱) اکرم العلما و الشعرا سوی زید [یک زید هم عالم است و هم شاعر است] (مشکلی نیست چرا که «سوی» قابلیت ایجاد اخراج‌های متعدد را دارد)

الف/۲) اکرم العلما و الشعرا سوی زید [یک زید شاعر است و زید دیگر عالم است] (مشکل در استعمال در اکثر در ناحیه زید است)

۳. در حوزه (ب)، چون حروف ایجادیه هستند، نمی‌توانند دو رابطه ایجاد کنند. و چون در «استثنای منهم»، ضمیر به شعرا و علما باز می‌گردد، لاجرم باید در دو ارجاع استعمال شود که استعمال در اکثر است

ب/۱) اکرم العلما و الشعرا الا زیداً (یک رابطه بین علما و زید و یک رابطه بین شعرا و زید)

ب/۲) اکرم العلما و الشعرا الا الفساق منهم (یک رابطه بین فساق و «هم» یعنی علما و یک رابطه بین فساق و «هم» یعنی شعرا)

ب/۳) اکرم العلما و الشعرا و استثنای منهم زیداً (یک رابطه بین زید و «هم» به معنای شعرا و یک رابطه بین زید و «هم» به معنای علما)

ب/۴) اکرم العلما و الشعرا و استثنای منهم الفساق (یک رابطه بین فساق و «هم» به معنای علما و یک رابطه بین فساق و «هم» به معنای شعرا)

۴. در فرض (ب/۲) و (ب/۱) ممکن است کسی بگوید:

«الا» استعمال در اکثر نشده است، بلکه استعمال در غیر موضوع له شده است یعنی در این نوع از جملات، الا دو ارتباط را ایجاد می‌کند.

در جواب می‌توان گفت که بالوجدان «الا» در چنین موارد استعمالی، یک استعمال مجازی نیست بلکه در همان معنای موضوع له استعمال شده است.

(همچنین درباره «هم» که در معنای موضوع له استعمال شده است)



۵. در (ب/۳) و (ب/۴)، مشکل در ناحیه «استثنی» (یعنی ایجاد رابطه استثناء) نیست چرا که «استثنی» دارای وضع عام و موضوع له عام است و می‌تواند چند رابطه را ایجاد کند، بلکه مشکل در ناحیه ضمیر «هُم» است که می‌خواهد یک بار به شعرا ارجاع دهد و یک بار به علما ارجاع دهد.

۶. اما در مقام پاسخ:

به نظر می‌رسد پاسخ اول حضرت امام کامل است، چرا که:

یک) الا در (فرض ب/۱) دو رابطه بین «زید و شعرا» و «زید و علما» ایجاد می‌کند.

دو) الا (در فرض ب/۲) دو رابطه بین «فساق و هُم به معنای علما» و «فساق و هُم به معنای شعرا» ایجاد می‌کند. و «هُم» هم یک ارجاع به شعرا و علما دارد.

سه) «هُم» (در فرض ب/۳)، دو ارجاع به «شعرا» و «علما» دارد و اگر مراد از زید دو نفر باشد، زید در اکثر استعمال شده است.

چهار) «هُم» (در فرض ب/۴)، دو ارجاع به «شعرا» و «علما» دارد.

پنج) و (در فرض الف/۲)، هم «زید» در اکثر استعمال شده است.

۷. اما راه حل مرحوم عراقی (که راه حل سوم حضرت امام است):

یک) در فرض (ب/۱)، الا یک رابطه بین زید و «شعرا + علما» (به نحو عام مجموعی) رابطه ایجاد می‌کند (و گفتیم این مستلزم لحاظ مستقل علما و شعرا در کنار لحاظ مجموعی علما و شعراست و این اگر نگوئیم محال است، خلاف ظاهر است)

و اگر مراد از زید دو نفر باشد (یک عالم و یک شاعر)، باید قائل به یک رابطه بین زید اول و «شعرا» و رابطه دوم بین زید دوم و «علما» شویم، و این هم مستلزم «استعمال در اکثر» در زید و هم مستلزم «استعمال در اکثر» در الا است. (پس راه حل مرحوم عراقی در اینجا فرض ندارد)

دو) در فرض (ب/۲)، می‌توان گفت «الا» یک رابطه بین «فساق و هُم» ایجاد می‌کند و «هُم» یک عنوان انتزاعی است که شامل شعرا و علما می‌شود.

سه) در فرض (ب/۳)، مشکل تنها در صورتی است که دو زید در میان باشد. که در این صورت «زید» در اکثر از معنای واحد استعمال شده است ولی «استثنی» دلالت بر یک رابطه بین زید و «هُم» (عنوان انتزاعی) دارد (و اگر دو زید در میان است، استثنی می‌تواند به سبب عمومیت موضوع له بر چند رابطه دلالت کند)



چهار) در فرض (ب/۴)، مشکل قابل حل است چرا که «استثنای» بر رابطه‌ی بین فساق و «هُم» (عنوان انتزاعی) دلالت دارد

پنج) در فرض (الف/۲) مشکل باقی است چرا که در این صورت باید به استعمال «زید» در اکثر قائل شویم.

